

کرد که در ایمان بوی سبت گیرد بر دیگران که شریف آن کس است که  
در ایمان بوی سبت گیرد بعد از آن باندک وضعی و کات یافت  
**و از انجوات قصه آئینه بنی القلت** ابوسفیان گفته است که آئینه  
بن ابی العلت در شام از من استغنا کرد و اخلاق عبید بن جراح  
بی کرد و من جوابی گفتم وی سخنانی کرد چون از سبب وی  
بر رسید گفتم بگریستن رسید گفت اینست عیب وی گفتم چنین گوی که  
سختی و پرانی زوده است که شرف و فضل کت فاطمست با شرف با ستر  
این را گویم ما در کتب خوانده بودیم که از زمین ما سبوی معوض  
خواهد شد و لشک بدیشتم که آن من خواص بود چون با اهل علم کت  
و گوی آن کردم در شتم که وی از بنی عبد مناف خواهد بود هر چند  
در بنی عبد مناف نظر کردم هیچ کس را صالح این امر نیافتم که شسته  
بن رسید را چون تو گفتمی که بگریستن رسیده است در شتم که گوی است  
زیرا که از اربعین تجاوز کرده است و معوضت نکشته چون از بن  
سختی روزگاری برآمد رسول صلی الله علیه و سلم معوضت شد با هم  
بجارت سببی در فتم با بنی ابی العلت بگفتم بر سبیل استهزاء  
گفتم پیغمبری که تو انتظاری بر وی معوضت شده است کت بد آن گوی  
حق است و راستی که بوی متابعت وی کن گفتم تو چرا متابعت وی  
نمی کنی گفتم از زمان قبیل خود شرم می دارم که همیشه با ایشان می  
گفتم که آن پیغمبرم خواصم بود و اکنون برایشند که متابعت غلطی

رزنی

از بنی مناف میکنم و گویا که یمن ترا ای ابوسفیان اگر با بوی  
کنی که در میان در کردن تو کرده اند سببی کت در کردن بخواهند  
و پیش وی آورده اند و بر تو حکمی گفته هر چه می خواهد و آورده اند  
وی پیش رسول صلی الله علیه و سلم آمد و قصیده آورد در وی آید  
خلقت آسمانها و زمینها کرده و از احوالی نبیا علیهم الصلوٰه و السلام  
خبر باز داده و ختم آن بر مدح رسول صلی الله علیه و سلم کرده رسول  
صلی الله علیه و سلم و برادران تصدیق کرد و هر سوره طبری خوانده  
ایته کت من گویای می دم که این کلام بهتر نیست و لیکن خبر برادران  
دارم نمی خواهم که بی مشورت ایشان هیچ کار کنم رسول صلی الله  
علیه و سلم فرمود و یک بزم ایمان آورد و متابعت راه راست کن  
کت زود بتر بازی کردم شتر خود را سوار شد و تخیل تمام متوجه  
شد تا بکلیسای کرجی را همان عبادت مشغول می بودند رسید  
و صورت حال را بازگفت یکی از ایشان گفت اگر این کس را بر بینی  
بشناسی کت آری و بر خاند بود که بر دیوارهای دی صور انبیا  
علیهم الصلوٰه و السلام تصویر کرده بودند آئینه را بآن خانه درون  
برد و یک بصورت را بروی تری کرد چون بصورت رسول  
صلی الله علیه و سلم رسیده آئینه کت این وصیت را به کت و یک  
زود تر کرد و بوی ایمان آورد که وی رسول صلی الله علیه و سلم  
القیلی است چون بازگشت و بجا رسید غمزه برد و آنچه شده بود